

شورای رقابت؛ از جایگاه حقوقی تا صلاحیت قیمت‌گذاری خودرو

سیدبهبزاد پورسید،* محمد صادقی** و شهرام محمدی***

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۲/۱۶ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۳/۱۳

در این نوشتار براساس بررسی مفهوم‌شناسانه در پی ارائه تصویری واضح از جایگاه حقوقی شورای رقابت هستیم تا نسبت این جایگاه را با عملکرد شورا در تعیین قیمت خودرو بسنجیم. در این راستا پس از ارائه تعریفی مختصر از مقررات‌گذاری، وظایف و ویژگی‌های نهادهای رگولاتور و انواع آن را مورد بررسی قرار داده تا بتوانیم بر مبنای آن فهم بهتری را در این خصوص به دست آوریم. به منظور یافتن این رابطه، ضمن معرفی گذرا از شورای رقابت، شئونی که قانونگذار برای این نهاد بر شمرده را مورد توجه و آسیب‌شناسی قرار خواهیم داد. آنچه در نهایت روشن خواهد شد این است که شورای رقابت به رغم ماهیت فراقوه‌ای و فرابخشی خویش، صلاحیت تعیین قیمت در بازار خودرو را نداشته و این اقدام از حیث حقوقی و قانونی قابل نقد است.

کلیدواژه‌ها: شورای رقابت؛ صلاحیت؛ مقررات‌گذاری؛ قیمت‌گذاری؛ بازار خودرو؛ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

* استادیار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ Email: behzad_1433@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید (نویسنده مسئول)؛

Email: sadeqi67@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: mohammadishahram18@yahoo.com

مقدمه

با توجه به تبعات منفی انحصار از جمله؛ بر هم خوردن تعادل بازار، ضایع شدن حقوق مصرف کنندگان و خارج کردن دیگر فعالان اقتصادی از رقابت، دولت‌ها عموماً تلاش می‌کنند تا با اتخاذ تدابیری مانند تصویب مقررات ضد تراست و وضع مقررات تسهیل کننده رقابت به منظور برقراری رقابت سالم و آزاد در روابط فعالان اقتصادی ضمن حمایت از حقوق مصرف کنندگان و ایجاد تعادل در بازار، از شکل‌گیری انحصار غیرطبیعی نیز جلوگیری کنند. از ابزارهایی که دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خود در این خصوص مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند استفاده از ظرفیت نهادهای رگولاتور و مقررات‌گذار است. در ایران، شورای رقابت با توجه به ویژگی منحصر به فرد، مأموریت مقابله با انحصار و ایجاد فضای رقابتی را برعهده دارد تا با استفاده از اختیارات و وظایف خود بتواند انحصارات و رویه‌های ضد رقابتی موجود در کشور را که مانند زنجیرهای مستحکمی مانع حرکت رو به رشد اقتصادی کشور شده، از میان بردارد. در نوشتار حاضر به منظور تحلیل حقوقی بخشی از این ابعاد، ابتدا به مفهوم و ویژگی‌های نهادهای رگولاتور پرداخته و سپس ضمن اشاره به جایگاه و اختیارات شورای رقابت، نسبت شورا با اوصاف مربوط به نهادهای رگولاتور را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

۱. رگولاتوری

۱-۱. تعریف

Regulatory؛ که حالت اسمی آن Regulation است، مترادف مقررات‌گذاری، تنظیم‌گری یا تنظیم مقررات آمده است. این واژه که تابعی از پارادایم حکمرانی خوب و اداره امور عمومی محسوب می‌شود، در حوزه حقوق عمومی تحت عنوان «تنظیم‌گری حقوقی» و «دولت تنظیم‌گر» مطرح شده است (یاوری، ۱۳۹۳: ۶۳۰)، در اصطلاح به معنای تنظیم قاعده یا رفتاری به قصد رسیدن به حد مطلوب می‌باشد. بر این اساس، تنظیم مقررات یکی از مداخلات دولت در بازار است که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار بنگاه‌ها و اشخاص و براساس انگیزه‌های گوناگونی انجام می‌شود (هادی‌فر، ۱۳۸۹: ۳۸). با این بیان، تنظیم

مقررات بعضاً با هدف تأثیر گذاری بر رفتارها و تصمیمات بخش خصوصی در بازار اعمال می شود (چراتیان، ۱۳۹۲: ۶۹). به تبع اینکه این اصطلاح در مفهوم خاص خود از رابطه دولت با اقتصاد و مداخله او در بازار آزاد سخن می راند، نمود آن را به معنای اخص باید در بازارهای رقابت ناپذیر جست. چه این که از تقسیم بندی هایی که در طول تفکیک بازارهای رقابت پذیر از بازارهای رقابت ناپذیر وجود دارد، تقسیم بازارهای رقابت ناپذیر و بخش های متشکل به بازارهای بخشی است. بازارهای بخشی نیز به بازارهایی اطلاق می شود که مرتبط با بازاری خاص ضابطه مند شده باشد (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

منظور از تنظیم مقررات که در کنار بازارهای بخشی مطرح خواهد شد، تهیه و تدوین مجموعه مقرراتی است که حاکمیت در معنای عام و دولت در معنای خاص آن در قالب یک نظام انگیزشی ساختاریافته برای بخش های معین اقتصادی تدوین می کند تا از طریق آنها تعیین نماید که بخش دولتی و خصوصی چه می تواند و چه نمی تواند انجام دهد به نحوی که عملکرد آن در برابر منافع عمومی قرار نگیرد... به طور مشخص منظور از تنظیم اقتصادی مقررات، مجموعه مقرراتی است که دولت برای کنترل و تنظیم فعالیت انحصارات تدوین می کند تا از منافع عمومی جامعه و شهروندان حمایت کند. رگولاتوری که گفتیم مقررات گذاری یا تنظیم مقررات نیز نامیده می شود، عبارت است از تهیه و تدوین مقرراتی که به طور عام توسط دولت یا به طور خاص نهادهای تنظیم کننده بخشی، در حیطه فعالیت های مرتبط با بازاری خاص انجام می دهند و به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی مورد نظر و از پیش تعیین شده صورت گرفته و به اجرا درمی آیند. به بیانی دیگر، تنظیم مقررات، عبارت از همه مقررات، رویه ها و قواعد لازم الاجرائی است که به منظور پیشگیری آثار سوء ناشی از فعالیت های انحصاری یا جبران پیامدهای یک فعالیت بر سایر فعالان بازار و مصرف کنندگان توسط دولت یا یک نهاد مستقل ذی صلاح تهیه، تنظیم و وضع می شود. از این رو منظور از رگولاتوری یا تنظیم مقررات توسط نهادهای تنظیم کننده عبارت از هدایت و کنترل تصمیمات بخش خصوصی در بازارهای رقابت ناپذیر (Noll and Bruce, 1983) و یا واجد ضمانت اجرا کردن آن مقررات از سوی دولت است (Baldwin and Cave, 1999) که ابزارهای تنظیم در نیل به این مقررات نیز

عبارت خواهند بود از ملی سازی و مالکیت عمومی، کنترل قیمت، کنترل میزان تولید و ارائه خدمات، کنترل ورود و خروج از طریق صدور و واگذاری مجوز و یا تعرفه بندی کالاها یا صدور مجوز عمومی با الزام شرایط رقابتی.

۱-۲. وظایف نهادهای رگولاتور

رگولاتوری در پی حل تضاد بین منافع بنگاه اقتصادی - که به دنبال حداکثر منفعت خصوصی است و مصرف کننده که در پی حداکثر مطلوبیت است - می باشد تا در نتیجه آن منفعت جمعی محقق شود. در نیل به این مهم، نهادهای رگولاتور معمولاً سه وظیفه مهم انجام می دهند:

۱. **مقررات گذاری و نظارت:** مقررات گذاری و نظارت مهم ترین ابزار تنظیم گری رگولاتور است و می تواند به صورت مستقیم و بالمباشره و یا به صورت غیرمستقیم و در مقام سیاستگذار یا ارائه مشاوره به مراجع واجد صلاحیت (مثل هیئت دولت یا پارلمان) انجام گیرد.

۲. **وظایف اجرایی:** رگولاتوری در برخی موارد مستقیماً وارد فرایند اجرایی می شود. به عنوان نمونه به منظور مدیریت تولید و عرضه کالا، می تواند مانع از ارائه مجوز تولید به برخی کالاها در شرایط و مکان خاص شود.

۳. **قدرت حل اختلاف و داوری میان فعالان:** یک رگولاتور موفق در شرایطی می تواند به اهداف تنظیم گری خود نائل شود که قدرت قضاوتی و داوری بین بازیگران حوزه صلاحیتی خویش را داشته باشد. واقعیت آن است که عرصه اقتصادی محل منازعه و تضاد منافع بازیگران آن است، لذا باید رگولاتور این اختیار را داشته باشد تا در مواقع لزوم بتواند به عنوان یک نهاد تخصصی وارد اختلافات یا تخلفات و جرائم بنگاه ها شده و به حل و فصل آن پردازد یا از منظر دیگر بتواند در صورت تعدی بنگاه ها از ضوابط، با ضمانت اجرای قوی با آنان برخورد کند.

۱-۳. ویژگی نهادهای رگولاتور

در هر اقتصاد پویا، نهادهای رگولاتور برای رسیدن به اهداف خود از چهار ویژگی اساسی برخوردارند:

۱. **استقلال:** مهم ترین شرط موفقیت یک نهاد رگولاتور داشتن استقلال است. معمولاً

استقلال رأی یک نهاد، وابسته به استقلال در ترکیب اعضا و نحوه تخصیص بودجه آن است. چرا که ترکیب و نحوه انتصاب اعضای رگولاتور تأثیر بسزایی در میزان استقلال یا وابستگی آن دارد. از این رو ترکیب اعضا باید به گونه‌ای باشد که ضمن حضور نمایندگان هر سه قوه، بخش خصوصی و متخصصان مرتبط با موضوع فعالیت رگولاتور، وابستگی تشکیلاتی در مدت عضویت به دولت منقطع گردد تا امکان تصمیم‌گیری آزادانه و بدون فشار برای آن فراهم و از بالاترین تضمین شغلی برخوردار باشد. همچنین؛ نهاد رگولاتور باید دارای بودجه کافی و مستقل باشد. بنابراین نباید هیچ یک از اعضا و کارکنان آن، مرزوق مستقیم یا غیرمستقیم دولت محسوب شوند. در غیر این صورت امکان گروکشی و اعمال فشار جهت برآورده شدن خواسته‌های غیرموجه وجود خواهد داشت.

۲. فرایند تصمیم‌گیری: هر سازمان یا نهادی به‌منظور اتخاذ تصمیمات مهم، فرایند مشخصی را پیش روی خود دارد. معمولاً در این گونه مجموعه‌ها سه نوع فرایند تصمیم‌گیری وجود دارد که بنا به نوع مأموریت و ماهیت تشکیلات متفاوت خواهد بود. لذا ممکن است با یکی از حالات تصمیم‌گیری فردی، تصمیم‌گیری هیئت امنایی (اکثریت آرا) و تصمیم‌گیری فردی به همراهی گروه مشاوران (هیئتی مشورتی برای رگولاتوری انفرادی) همراه باشد.^۱ به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت نهاد رگولاتور و نیازی که به عقل جمعی وجود دارد، همچنین با عنایت به تأثیری که تصمیمات آن بر سایر بازیگران عرصه‌های رقابت می‌گذارد، بهترین روش استفاده از یک فرایند جمعی است. افزون بر این، رگولاتور باید امکان کار کارشناسی و یا اخذ نظر کارشناس را هم داشته باشد.

۳. ابزار اجرایی: هر تشکیلاتی به‌منظور دستیابی به اهداف خود از ابزارهای ویژه‌ای بهره‌مند است که انتخاب این ابزارها می‌تواند متناسب با نوع فعالیت متفاوت باشد. نهاد رگولاتور در راستای وصول به مقاصد خود معمولاً از ابزارهای تنظیم ورود و خروج بنگاه‌های اقتصادی (به‌منظور ایجاد تعادل در تولید و عرضه)، قیمت‌گذاری، حل اختلاف و تحقیق و بازرسی استفاده می‌کند.

۱. برخی نویسندگان علاوه بر موارد فوق، به تصمیم‌گیری تمام‌وقت یا پاره‌وقت نیز اشاره کرده‌اند (هادی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

۴. **پاسخگویی و کنترل:** ویژگی دیگر نهاد رگولاتور، لزوم تدبیر امکان پاسخگویی و کنترل خود این نهاد است؛ یعنی با توجه به تبعات تصمیمات و اقدامات رگولاتور باید به نحوی تشکیلات آن طراحی شود که در صورت لزوم، امکان اخذ پاسخ یا کنترل آن وجود داشته باشد. رگولاتورها معمولاً به سه شکل مورد کنترل قرار می‌گیرند: خودکنترلی، کنترل توسط قوای سه‌گانه، پاسخگویی به گروه‌های ذی‌نفوذ یا گروه‌های متأثر از تصمیمات آن.

۴-۱. انواع رگولاتوری

از منظر حوزه و قلمرو اعمال، دو نوع رگولاتوری وجود دارد ۱. بخشی و ۲. ملی یا فرابخشی.

۱. **بخشی:** بخش به یک بازار جزئی متشکل، گروه‌های شغلی مرتبط، صنعت خاص، با فناوری مشخص و ساختار اشتغالی و درآمدی معین اطلاق می‌شود که از فعالیت اقتصادی چند بازیگر رقیب در بازار آزاد شکل گرفته باشد. رگولاتوری در اینجا تخصصی و محدود است و فقط وظیفه تنظیم‌گری را در محدوده همان بخش انجام می‌دهد (همانند سازمان بورس و اوراق بهادار در نظارت و هدایت بازار سرمایه و بورس، بانک مرکزی در نظارت در عرصه بانکی و بیمه مرکزی در نظارت بر بیمه‌ها).

۲. **ملی (فرابخشی):** نهادی است که تمام بخش‌های اقتصادی یک کشور را در محدوده جغرافیایی آن، بدون محدودیت شامل می‌شود. مثل شورای رقابت که نهاد مقررات‌گذار ملی علیه تشکیل انحصار در ایران است و برای همه بخش‌های اقتصاد ملی امکان تنظیم‌گری دارد.

۲. معرفی شورای رقابت

در این مبحث به ماهیت و جایگاه حقوقی شورای رقابت می‌پردازیم.

۲-۱. ترکیب اعضا

مطابق ماده (۵۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، اعضای شورا به سه طیف تقسیم می‌شوند:

۱. **نمایندگان قوا:** سه نماینده مجلس از بین اعضای کمیسیون‌های اقتصادی، برنامه و بودجه و محاسبات و صنایع و معادن (از هر کمیسیون یک نفر) به انتخاب مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر، دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب و حکم رئیس قوه قضائیه. حضور نمایندگان قوه مقننه در شورای رقابت نیز ناشی از شأن تقنینی و نظارتی مجلس است تا از این جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های کلان اقتصادی در عرصه قانون گذاری مجلس شورای اسلامی تأثیر بسزایی داشته باشد و با عام بودن حق تحقیق و تفحص مجلس در همه امور کشور در جهت حمایت از حقوق ملت هماهنگی داشته باشد (رشوند بوکانی، ۱۳۹۰: ۳۵۵). اما حضور قضات عالی‌رتبه با توجه به نوع وظایف و اختیارات این شورا، که در برخی موارد رنگ و بوی قضایی به خود می‌گیرد، ضرورتی انکارناپذیر است به‌نحوی که انجام برخی تصمیمات شورا حتی با اجماع کامل بدون موافقت قضات فاقد اعتبار است.

۲. **فعالان و نمایندگان بخش خصوصی:** حضور یک نفر به انتخاب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و یک نفر به انتخاب اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران، کمک به ایجاد رقابت و منع انحصار؛ به‌عنوان مأموریتی اصلی برای شورای رقابت است و این مأموریت به‌صورت مستقیم با عملکرد بنگاه‌های اقتصادی مرتبط است که اغلب از بخش خصوصی هستند. بنابراین لزوم حضور نمایندگان این بخش حتی پررنگ‌تر از آنچه در قانون آمده، امری بدیهی است.

۳. **متخصصان و صاحب‌نظران:** دو صاحب‌نظر اقتصادی برجسته به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی، یک حقوق‌دان برجسته و آشنا به حقوق اقتصادی به پیشنهاد وزیر دادگستری، دو صاحب‌نظر در تجارت به پیشنهاد وزیر بازرگانی، یک صاحب‌نظر در صنعت به پیشنهاد وزیر صنایع و معادن، یک صاحب‌نظر در خدمات زیربنایی به پیشنهاد رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و یک متخصص امور مالی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی جزء این دسته قرار می‌گیرند که احکام ایشان پس از پیشنهاد وزرا توسط رئیس‌جمهور صادر می‌شود. در خصوص ترکیب متخصصان و صاحب‌نظران اشاره به این نکته حائز اهمیت است که با توجه به اینکه دولت در بسیاری از بخش‌های اقتصادی به‌صورت انحصاری حضور دارد، حضور پررنگ نمایندگان آن با فلسفه تشکیل شورای رقابت مغایرت دارد. لذا با وجود

لزوم پیشنهاد وزیر مربوطه و صدور حکم از جانب رئیس جمهور، نباید این افراد را نمایندگان قوه مجریه دانست؛ بلکه در حقیقت داشتن تخصص و تجربه مهم ترین علت عضویت آنان در شورا بوده و این افراد حتی ممکن است مستخدم دولت هم نباشند. هر چند نفس انتصاب از سوی دولت شائبه وابستگی را در پی دارد.

اعضای شورا برای یک دوره شش ساله انتخاب می‌شوند (به جز دوره انتصاب قضات عضو که دو سال است) و رئیس آن نیز از میان اقتصاددانان عضو و با پیشنهاد اعضا و حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود. نکته‌ای که در تحلیل ترکیب اعضای شورای رقابت باید مورد توجه قرار داد اینکه ترکیب و نوع تخصص و تجارب اعضا می‌تواند به صورت واقعی متضمن انجام وظایف و تکالیف آنها باشد، اما اینکه آیا این ترکیب می‌تواند مهم ترین ویژگی شورای رقابت که همان استقلال در تصمیم گیری‌هاست را تضمین کند، محل بحث و تأمل است. زیرا علاوه بر اینکه اکثریت اعضای شورا نهایتاً به حکم رئیس جمهور منصوب می‌شوند، طبق ماده (۵۴)، مرکز ملی رقابت (به عنوان انجام دهنده امور کارشناسی، اجرایی و فعالیت‌های دبیرخانه‌ای شورای رقابت) در قالب مؤسسه‌ای دولتی مستقل زیر نظر رئیس جمهور تشکیل می‌شود.

۲-۲. وظایف و اختیارات

شورای رقابت دارای اختیاراتی است که برخی از آنها به شرح زیر قابل احصاء است:

۱. **مقررات گذاری:** مقررات گذاری یک نهاد رگولاتور، مهم ترین ابزار تنظیم گری آن است که می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (در قالب اقدامات تفویضی) انجام گیرد. شورای رقابت در این خصوص وظایف مشخصی دارد از جمله؛ تدوین و ابلاغ سیاست‌ها و دستورالعمل‌های لازم به منظور اجرای فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و دستورالعمل‌های داخلی شورا، ارائه نظرات مشورتی به دولت برای تنظیم لوایح مورد نیاز، تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در هر مورد با رعایت مقررات مربوط.

۲. **امور اجرایی:** شورای رقابت در راستای انجام وظایف خود بعضاً وارد حیطه اجرایی شده و برخی اقدامات خاص؛ از جمله تشخیص مصادیق رویه‌های ضد رقابتی، ارزیابی وضعیت و

تعیین محدوده بازار کالا و خدمات، پیشنهاد تشکیل نهاد تنظیم کننده بخشی به هیئت وزیران در حوزه کالا یا خدمتی خاص که بازار آن مصداق انحصار طبیعی است، فراهم کردن امکان دسترسی عموم به ضوابط، آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و انتشار گزارش عملکرد سالانه را رأساً انجام می‌دهد.

۳. تحقیق، بازرسی و رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی: مهم‌ترین وظایف شورای رقابت در این بخش عبارت‌اند از: انجام بازرسی از بنگاه‌ها و شرکت‌ها برای رسیدگی به دعاوی و پرونده‌های مطروحه، صدور اجازه ورود به اماکن، انبارها، وسایل نقلیه، رایانه‌ها و تفتیش آنها و نیز جواز بازرسی از فعالیت‌های اقتصادی، اموال، رایانه‌ها، دفاتر و سایر اوراق، همچنین اختیار حضور در جلسات مجامع عمومی و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از جمله مصوبات هیئت مدیره که می‌تواند به‌طور مستقیم توسط خود شورا یا اشخاص متخصص واجد صلاحیت و با مجوز یکی از قضات عضو شورا یا یکی از پنج قاضی صورت گیرد که به این منظور رئیس قوه قضائیه انتخاب و معرفی کرده است، رسیدگی به موضوعات مرتبط با قانون و شکایات مطروحه از طریق احضار مشتکی عنه به منظور انجام تحقیقات از او، احضار شهود یا هر شخص دیگر که حضور آنها به منظور رسیدگی به شکایات ضروری تشخیص داده شود، درخواست گزارش، اطلاعات، مدارک، مستندات و سوابق (اعم از کاغذی یا الکترونیکی) مرتبط با رویه‌های ضد رقابتی از اشخاص حقیقی و حقوقی و دعوت از کارشناسان و مؤسسات تخصصی و دریافت اظهار نظر آنان در فرایند تحقیق و بازرسی که می‌بایست با مجوز یکی از قضات عضو شورا یا یکی از پنج قاضی که بدین منظور توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب و معرفی کرده است، صورت پذیرد. بررسی و تحقیق در خصوص رویه‌های ضد رقابتی رأساً و یا براساس شکایت هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی از جمله دادستان کل یا دادستان محل، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور، تنظیم کننده‌های بخشی، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به دولت، تشکل‌های صنفی، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف کنندگان و دیگر سازمان‌های غیر دولتی، ایفای سمت شاکی در همه جرائم ضد رقابتی و درخواست از دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی و جبران خسارات وارده به منافع عمومی.

توجه به کمیت و کیفیت وظایف و اختیارات تصریح شده در قانون برای شورای رقابت

حاکمی از اهمیتی است که قانونگذار برای این شورا و مأموریت آن قائل است. در حقیقت تنوع وظایف و اختیارات که دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از اقدامات نظارتی، قضایی، تقنینی و اجرایی است و در کمتر نهاد و سازمانی به این صورت قابل جمع است، نشان می‌دهد که مقنن ضمن توجه به یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران که نبود رقابت سالم است، درمان این بیماری را در برهه‌ای که اقتصاد ایران با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به سمت خصوصی‌سازی حرکت می‌کند، تنها از مسیر ایجاد تشکیلاتی می‌داند که علاوه بر استقلال، دارای یک مجموعه از اختیارات گسترده است که براساس آن می‌تواند به دور از نظامات معمول، مانع از بروز انحصارات غیرلازم شده و نقش یک رگولاتور ملی را در جهت تسهیل عملکرد رقابتی بخش‌های مختلف اقتصادی ایفا کند.

۲-۳. ضمانت اجرا

در صورتی اختیارات گسترده شورای رقابت قرین موفقیت خواهد شد و اثر ملموسی در فضای اقتصادی خواهد گذاشت که این اختیارات و تکالیف با ضمانت اجراهای موثقی حمایت شود. در همین راستا قانونگذار به شورا اجازه می‌دهد در صورتی که رویه‌های ضدرقابتی را توسط بنگاه‌های اقتصادی احراز نماید، بتواند تصمیمات لازم را اتخاذ کند. از جمله اینها عبارت‌اند از: دستور به فسخ هر نوع قرارداد، توافق و تفاهم متضمن رویه‌های ضدرقابتی، دستور به توقف طرفین توافق یا توافقی‌های مرتبط با آن از ادامه رویه‌های ضدرقابتی، دستور به توقف هر رویه ضدرقابتی یا عدم تکرار آن، اطلاع‌رسانی عمومی در جهت شفافیت بیشتر بازار، دستور به عزل مدیرانی که برخلاف مقررات ماده (۴۶) قانون (تصدی سمت همزمان به منظور اخلال در رقابت) انتخاب شده‌اند، دستور به واگذاری سهام یا سرمایه بنگاه‌ها یا شرکت‌ها که برخلاف ماده (۴۷) قانون (تملك به منظور اخلال در رقابت) حاصل شده است، الزام به تعلیق یا دستور به ابطال هر گونه ادغام که برخلاف ممنوعیت ماده (۴۸) قانون (اخلال در رقابت در بازار) انجام شده یا الزام به تجزیه شرکت‌های ادغام شده، دستور استرداد اضافه درآمد یا توقیف اموالی که از طریق ارتکاب رویه‌های ضدرقابتی تحصیل شده است؛ از طریق مراجع ذیصلاح قضایی، دستور به بنگاه یا شرکت جهت عدم

فعالیت در یک زمینه خاص یا در منطقه یا مناطق خاص، دستور به اصلاح اساسنامه، شرکت‌نامه یا صورت‌تجسرات مجامع عمومی یا هیئت مدیره شرکت‌ها یا ارائه پیشنهاد لازم به دولت در خصوص اصلاح اساسنامه‌های شرکت‌ها و مؤسسات بخش عمومی، الزام بنگاه‌ها و شرکت‌ها به رعایت حداقل عرضه و دامنه قیمتی در شرایط انحصاری و نهایتاً؛ تعیین جریمه نقدی در صورت ارتکاب اعمال ضدرقابتی تا سقف یک میلیارد ریال.

ماده (۷۰) قانون مورد بحث، به منظور تضمین اجرای این تصمیمات، واحد اجرای احکام مدنی دادگستری را موظف کرده در صورت قطعیت یافتن تصمیمات شورای رقابت یا هیئت تجدیدنظر آنها را به مرحله اجرا گذارد. توجه به نوع ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده و تعیین سازوکار اجرای عملی آنها حاکی از این واقعیت است که نویسندگان قانون به این امر مهم واقف بوده‌اند که تضمین یک رقابت واقعی که منتج به بهبود کیفیت، کاهش قیمت و بسیاری دیگر از مؤلفه‌های مثبت اقتصادی می‌شود، در این نکته نهفته است که می‌بایست هزینه‌های اقدامات ضدرقابتی را تا حد امکان افزایش داد. در واقع متصدیان بازار با محاسبه سود و زیان انجام اعمال ضدرقابتی، خودبه‌خود تمایلی به سمت آن پیدا نخواهند کرد. چه اینکه با مجموعه ضمانت‌اجراهایی مواجه خواهند شد که ادامه کار آنها را با مشکل مواجه می‌کند.

۴-۲. ویژگی‌های شورا

شورای رقابت ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که باعث تمایز این شورا از دیگر نهادهایی شده است که تحت عنوان شورا شناخته می‌شوند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. **ترکیب اعضا:** قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، به منظور تضمین موفقیت شورای رقابت استقلال نسبی را برای اعضای آن در نظر گرفته است. بر همین اساس شورا، نهادی نسبتاً مستقل است و هیچ‌یک از اعضای آن را نمی‌توان برخلاف میل او از عضویت برکنار کرد؛ مگر آنکه به تشخیص دوسوم اعضا، ناتوانی وی در انجام وظایف محوله احراز گردد و در واقع اهلیت قانونی از دست برود، بیش از دو ماه متوالی و یا سه ماه غیرمتوالی در هر سال غیبت غیرموجه با تشخیص اکثریت اعضا داشته باشد، به محکومیت قطعی به دلیل انتشار اطلاعات داخلی شرکت‌ها و سوءاستفاده از آن محکوم شود و یا اینکه

به محکومیت‌های ماده (۵۳) قانون مذکور محکوم یا مرتکب نقض تکالیف و محدودیت‌های ماده (۶۸) و تخطی از مواد (۷۵ و ۷۶) قانون شده باشد. همچنین اعضای شورای رقابت را نمی‌توان به دلیل اتخاذ تصمیمات در چارچوب وظایف قانونی یا اظهاراتی که به استناد قانون می‌کنند، تحت تعقیب قرار داد. با این حال، وضع کنونی استقلال و تشکیلات شورا از جهات متعددی قابل انتقاد می‌نماید و به این سبب هر توجیهی در زمینه تشکیلات، نحوه انتخاب اعضا و استقلال شورا قابل تأمل و انتقاد خواهد بود؛ زیرا برخی تمهیدات اتخاذی در این زمینه با فلسفه تشکیل و ساختار وجودی شورای رقابت؛ به عنوان نهاد رگولاتور ملی فرابخشی در تنافی است (صادقی مقدم و صادقی، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۸).

۲. ماهیت فراقوه‌ای: از آنجا که از سویی دولت، متصدی گریزناپذیر بخش‌های رقابت‌ناپذیر اقتصاد است و از سوی دیگر نیز قوه مجریه در اقتصاد کنونی بزرگ‌ترین انحصارگر است، وابستگی ولو محدود شورای رقابت به دولت به نوعی نقض غرض زیرکانه محسوب می‌شود (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۳۸) لذا مجموعه ویژگی‌های شورای رقابت، به ویژه در خصوص ترکیب اعضا، نحوه تصمیم‌گیری و اختیارات متنوع آن به گونه‌ای پیش‌بینی شده که این شورا را به نهاد فراقوه‌ای مبدل کند.

اولین و مهم‌ترین ابزار تحقق جایگاه فراقوه‌ای شورا را باید در ترکیب اعضای آن جستجو کرد. حضور سه نماینده مجلس از قوه مقننه به عنوان ناظر، دو قاضی از دستگاه قضایی، صاحب‌نظرانی با تخصص‌های اقتصاد، حقوق، تجارت و صنعت، خدمات زیربنایی و امور مالی که با معرفی وزیر مربوطه و حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند، همچنین نمایندگانی از اتاق بازرگانی و اتاق تعاون (بخش خصوصی) حاکی از توجه تدوین‌کنندگان قانون به ضرورت فراقوه‌ای بودن شورا است. دلیل دومی که می‌توان برای اثبات فراقوه‌ای و فرابخشی بودن این شورا ذکر کرد، نحوه تصمیم‌گیری این شورا در موضوعات مربوط به وظایف آن است، در واقع مصوبات این شورا رأساً توسط اکثریت اعضای آن اتخاذ می‌شود و نیازی به تأیید هیچ‌یک از قوای سه‌گانه نیست؛ یعنی در عمل، دولت و سایر قوا حق ندارند تحت هر عنوانی در تصمیمات شورا مشارکت یا دخالت کنند. آخرین ابزار تحقق جایگاه فراقوه‌ای شورا را باید در تنوع اختیارات آن دانست که شامل طیف وسیعی از وظایف اجرایی،

قضایی و مقررات گذاری می شود. با این حال، ساختار فعلی شورا نمی تواند به تمام و کمال این ماهیت فرابخشی را تحقق بخشد که در جای خود در این زمینه به تفصیل خواهیم پرداخت.

۳. فرایند تصمیم گیری: تصمیمات شورا را می توان به دو دسته تقسیم کرد: تصمیمات عمومی و تصمیماتی که به رویه های ضد رقابتی مربوط است. کلیه این تصمیمات طبق فرایندی که در ماده (۵۷) قانون اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) ذکر شده اتخاذ می شود. به این ترتیب که پس از آنکه جلسات شورا با حضور دوسوم اعضا و به ریاست رئیس و در غیاب او نایب رئیس رسمیت پیدا کرد، تصمیمات با رأی اکثریت اعضای صاحب رأی مشروط بر آنکه از پنج رأی کمتر نباشد معتبر خواهد بود.

دو تفاوت مهم در خصوص نحوه اتخاذ و فرایند قطعیت این تصمیم ها وجود دارد: نخست آنکه؛ تصمیمات شورا در خصوص رویه های ضد رقابتی (موضوع ماده (۶۱) قانون) در صورتی اعتبار خواهد داشت که رأی حداقل یک قاضی عضو نیز در آن مثبت باشد. این در حالی است که در مورد تصمیمات عمومی چنین الزامی وجود ندارد. دومین تفاوت، به امکان تجدیدنظرخواهی در مورد تصمیمات شورا در خصوص رویه های ضد رقابتی مربوط است؛ با این توضیح که در این گونه موارد ذی نفع می تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، دادخواست تجدیدنظرخواهی خود را به هیئت تجدیدنظر (موضوع ماده (۶۴) قانون) تقدیم کند که این مدت برای اشخاص مقیم خارج دو ماه خواهد بود. در صورت عدم تجدیدنظرخواهی در مدت یاد شده و همچنین در صورت تأیید تصمیمات شورا در هیئت تجدیدنظر، این تصمیمات قطعی است. بنابر آنچه گفته شد امکان تجدیدنظر از تصمیمات عمومی شورا توسط هیئت تجدیدنظر وجود ندارد.

۴. ابزار اجرایی: به تبع اینکه نهادهای رگولاتور ابزارهایی از جمله؛ کنترل قیمت، کنترل مقدار تولید یا خدمات، کنترل ورود و خروج و کنترل متغیرهای دیگر را در اختیار دارند (هادی فر، ۱۳۸۹: ۶۹-۸۷)، شورای رقابت در نیل به صلاحیت و اختیارات خود از حیث قانونی، از ابزارهای ویژه ای بهره مند است که متناسب با نوع فعالیت و اهداف آن طراحی شده است. این نهاد رگولاتور از ابزارهای زیر استفاده می کند:

- ورود و خروج بنگاه های اقتصادی: اگر چه شورا در این خصوص وظیفه مستقیمی

بر عهده ندارد اما به منظور ایجاد تعادل در تولید و عرضه، قانون برخی اعمال که منجر به اخلال در رقابت می‌شوند را ممنوع کرده و شورا در این خصوص نقش مهمی ایفا می‌کند؛ مانند ایجاد مانع به منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف بنگاه‌ها یا شرکت‌های رقیب در یک فعالیت خاص. همچنین ادغام شرکت‌ها یا بنگاه‌ها در این موارد ممنوع است: در صورتی که منجر به اخلال در رقابت (اعمال ماده (۴۵) قانون) یا افزایش نامتعارف قیمت کالا یا خدمت شده یا اینکه عامل ایجاد تمرکز شدید در بازار و یا منجر به ایجاد بنگاه یا شرکت کنترل کننده در بازار شود.

- تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت: یکی از مشکلاتی که معمولاً در مورد کالاها و خدمات انحصاری به وجود می‌آید، امکان افزایش غیرمعمول قیمت‌ها و به تبع آن اجحاف به مصرف کننده است. رگولاتورها در این گونه مواقع به نفع مصرف کنندگان وارد عمل شده و با تنظیم قواعدی لازم‌الاجرا در خصوص حدود و ثغور قیمت‌ها مانع از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها می‌شوند. به همین علت یکی از وظایف شورا تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری است. همچنین یکی از تصمیماتی که شورا می‌تواند در صورت احراز رویه‌های ضد رقابتی موضوع مواد (۴۴) تا (۴۸) قانون اتخاذ کند، الزام بنگاه‌ها و شرکت‌ها به رعایت حداقل عرضه و دامنه قیمتی در شرایط انحصاری است.

- تحقیق و بازرسی: یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که تضمین کننده موفقیت یک رگولاتور در انجام وظایف تنظیم گری است، دادن امکان تحقیق و بازرسی و به تبع آن قضاوت پیرامون موضوعات مختلفی است که امکان نقض فلسفه وجودی این نهاد را فراهم می‌کند. شورای رقابت که به عنوان مهم‌ترین رگولاتور تسهیل کننده رقابت و محدود کننده انحصار در کشور شناخته می‌شود، در خصوص تحقیق و بازرسی از وظایف و اختیارات قابل توجهی برخوردار است. با این حال مرجع حل اختلاف در دعاوی اقتصادی قلمداد نمی‌شود و برای طرح دعاوی مربوط به اختلافات، حسب مورد باید به صلاحیت مراجع عمومی دادگستری، هیئت داوری موضوع قانون بازار اوراق بهادار یا هیئت داوری موضوع ماده (۲۱)

تنفیذی قانون برنامه سوم در ماده (۳۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قائل شد.^۱

۵. کنترل و پاسخگویی: کنترل تصمیمات و عملکرد نهادهای رگولاتور با هدف ایجاد امکان اصلاح اشتباهات احتمالی و پاسخگو کردن آنان امری پذیرفته شده است. بر همین مبنا در کشور ما دو نوع کنترل بر تصمیمات و اقدامات شورای رقابت اعمال می‌شود: کنترل درونی و کنترل بیرونی. در کنترل درونی، هر ذی‌نفع می‌تواند از تصمیمات شورای رقابت تجدیدنظرخواهی کند. هیئت تجدیدنظر براساس اختیارات قانونی خود می‌تواند تصمیمات شورا را نقض، ابرام یا حسب مورد آن را تعدیل یا اصلاح کند یا اینکه مستقلاً تصمیم دیگری اتخاذ کند. اما در کنترل بیرونی، با در نظر گرفتن برخی ملاحظات حقوقی و قانونی می‌توان برای دو قوه مقننه (براساس اختیارات تقنینی) و قضائیه (از قالب دیوان عدالت اداری) قائل به این امکان شد که عملکرد شورا را مورد بررسی قرار داده و خواستار پاسخگویی آن شوند که در مبحث نظارت‌پذیری شورا به آن خواهیم پرداخت.

۳. چالش‌های حقوقی شورای رقابت در مقام یک جایگاه فرابخشی

ادامه حیات یک رگولاتور فرابخشی در گرو رویکرد اصیل و قانونمند این نهاد بوده تا از قبیل این امر ضمن رفع ابهامات و چالش‌های کنونی، موجبات رشد و بلوغ آن نیز میسر شود. در خصوص جایگاه فرابخشی شورای رقابت چالش‌ها و ابهامات حقوقی متعددی وجود دارد که در این مبحث برخی از آنها را اشاره می‌کنیم:

۳-۱. ماهیت حقوقی و صلاحیت شورا

به‌رغم اینکه صلاحیت (وظایف و اختیارات) شورای رقابت در قانون مورد اشاره تصریح شده، اما به علت بدیع بودن این نهاد در نظام حقوقی کشورمان، ماهیت و صلاحیت آن هنوز وضعیت روشنی ندارد و اختلافات و شبهات متعددی را به همراه دارد. از جمله این اختلافات، بحث از ماهیت قضایی، شبه‌قضایی، دولتی، غیردولتی، عمومی غیردولتی یا

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص برخی از این صلاحیت‌ها، ر.ک: صادقی، صادقی مقدم و صالحی، ۱۳۹۴: ۲۴۳-۲۶۳.

اداری و حکومتی بودن شورا و نحوه تعامل و دخالت قوای مجریه و مقننه با مصوبات شورای رقابت است. به نحوی که هم مجلس و هم دولت در مواردی وارد به مصوبات شورا شده و مصوبات آن را غیرقانونی اعلام می‌کنند یا اینکه خود را از مصوبه شورای رقابت برحذر جلوه می‌دهند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۴۲). با این حال فارغ از پرداختن ماهوی به این بحث صرفاً به این اشاره می‌کنیم که شورای رقابت را باید شورایی اداری و حاکمیتی قلمداد کرد و نمی‌توان آن را خصوصی، دولتی، عمومی غیردولتی و قضایی محسوب کرد ولی می‌توان شبه‌قضایی بودن آن را توجیه کرد.

شبهه دیگری که در زمینه صلاحیت و جایگاه شورا محل تأمل می‌کند، نسبت این جایگاه - به عنوان یک رگولاتور فرابخشی - با رگولاتورهای بخشی است. چرا که در حیطه اعمال صلاحیت این نهادها ابهامی وجود دارد که شورا نمی‌تواند در موارد صلاحیتی نهادهای بخشی واجد صلاحیت باشد.^۱ این در حالی است که گفتیم شورای رقابت، رگولاتوری فرابخشی است که از حیث مبنایی و حوزه قلمرو صلاحیت ورود به همه ابعاد صلاحیتی رگولاتورهای بخشی را نیز داراست؛ زیرا صلاحیت شورای رقابت محدود به بازارهای غیرمتشکل نبوده و در واقع متشکل بودن یا نبودن بازارها تأثیری در صلاحیت شورا ندارد. این مهم از ماده (۴۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) که اشعار

۱. برخی نویسندگان در این زمینه بر آنند که «با توجه به منطبق حاکم بر ایجاد شورای رقابت، در صورتی که این شورا را مختص بازارهای غیرمتشکل بدانیم، بازار متشکل سرمایه باید - تخصصاً و نه لزوماً تخصیصاً - از دایره شمول مباحث رقابتی قانون اصل (۴۴) خارج باشد» (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۱۲). ایشان معتقدند «بر این مبنا ممکن است چنین استدلال شود که بند «و» ماده (۹۹) به تردید در این زمینه خاتمه می‌دهد و بورس کالا که در آن معامله کالا صورت می‌گیرد را از شمول قوانین و مقررات اینجینی مستثنی می‌سازد. این خروج منطقی است زیرا وظیفه حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه و حفظ بازار شفاف، منصفانه و کارا مطابق ماده (۲) قانون بازار اوراق بهادار بر عهده شورای عالی بورس و سازمان نهاده شده است و بازار شفاف و منصفانه جز در سایه رعایت اصول رقابت به دست نمی‌آید و به این لحاظ کم‌رنگ کردن حیطه این اختیارات به معنای کم‌اثر کردن فعالیت نظارتی سازمان می‌باشد» (همان). بنابراین استدلال فوق قابل انتقاد است؛ زیرا صلاحیت فرابخشی شورای رقابت فراگیر بوده و همه نهادهای نظارتی بخشی را نیز شامل می‌شود. از این رو استدلال به خروج تخصصی بازار سرمایه از دایره شمول مباحث رقابتی قانون اصل (۴۴) فاقد استدلال حقوقی است؛ حال آن که بازارهای بخشی، بخشی از اقتصادی است که شورای رقابت، مرجع اصلی نظارت بر آن محسوب می‌شود.

می‌دارد «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی، و خصوصی مشمول مواد این فصل هستند» نیز قابل اثبات خواهد بود. باین حال با توجه به تخصصی بودن بازارهای بخشی (مثل بانک، بورس و بیمه)، شورا می‌تواند برای افزایش ضریب تأثیر نظارت‌ها، اعمال نظارت عام خویش در هر یک از بازارهای بخشی را حسب مورد به نهاد ناظر مربوطه (مثل بانک مرکزی، سازمان بورس و بیمه مرکزی) تفویض کند. این مهم براساس منطبق ماده (۵۹) قانون فوق‌الذکر که اشعار می‌دارد «شورای رقابت می‌تواند در حوزه کالا یا خدمتی خاص که بازار آن مصداق انحصار طبیعی است، پیشنهاد تشکیل نهاد تنظیم‌کننده بخشی را برای تصویب به هیئت وزیران ارائه و قسمتی از وظایف و اختیارات تنظیمی خود در حوزه مزبور را به نهاد تنظیم‌کننده بخشی واگذار کند. ترکیب اعضای نهادهای تنظیم‌کننده بخشی به پیشنهاد شورای رقابت با تصویب هیئت وزیران تعیین می‌شود. شرایط انتخاب اعضای این نهادها، مطابق بند «ب» ماده (۵۳) این قانون است و اعضای آنها در حیطه وظایف و اختیارات تفویض شده، مسئولیت‌های پیش‌بینی شده در این قانون برای اعضای شورای رقابت را برعهده دارند. در هر حال هیچ نهاد تنظیم‌کننده بخشی نمی‌تواند مغایر با این قانون یا مصوبات شورای رقابت در زمینه تسهیل رقابت تصمیمی بگیرد یا اقدامی کند» نیز توجیه‌پذیر است.

۲-۳. نظارت‌پذیری شورا

چالش دیگری که به تبع روشن نبودن ماهیت شورای رقابت پیش روی این شورا است، نظارت‌پذیری آن است. به این نحو که فارغ از قابل تجدیدنظر بودن تصمیمات شورا در هیئت تجدیدنظر، آیا نهاد یا مرجعی بر مصوبات و تصمیمات شورا نظارت دارد؟ یا به‌عنوان نمونه می‌توان مصوبات شورا را در دیوان عدالت اداری قابل طرح و ابطال دانست؟ آیا قوای سه‌گانه می‌توانند بر عملکرد شورای رقابت دخل و تصرف کنند؟ فرایند و نحوه نظارت بر اعمال و مصوبات شورا با چه ساز و کارهایی روبه‌روست؟ با تأسی از اصول و قواعد مسلم حقوقی و قوانین و مقررات موجود پیداست که فارغ از امکان ورود قوه مقننه از قالب تقنینی (قانون به معنای خاص)، هیچ مرجعی مگر هیئت تجدیدنظر طبق مقررات فصل نهم قانون

اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، امکان مداخله مستقیم در تصمیمات شورای رقابت را ندارد. وانگهی؛ ماهیت فراقوه‌ای شورا، نظارت‌پذیری از نهادهای نظارتی دیگر را بر نمی‌تابد. افزون بر این، در اجرای اصل (۱۷۳) قانون اساسی، سیاق ماده (۱۰) و ماده (۱۲) قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری و خصوصاً ملاک تبصره ماده (۱۲)^۱ چنین نظارتی را خارج از صلاحیت دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد. چه این که نهادها و مراجع تصریحی در تبصره از جهت احصاء نبوده است. لذا شورای رقابت که در واقع شورایی سیاستگذار در عرصه رونق رقابت و مقابله با انحصار است، را نیز می‌توان در عداد مصادیق مندرج در تبصره فوق‌الذکر دانست. از این رو براساس قوانین کنونی، تصمیمات شورای رقابت صرفاً از قالب ماده (۶۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قابل تجدیدنظر در هیئت تجدیدنظر موضوع ماده (۶۴) آن قانون است. با این حال شاید با توجه به توجیه‌پذیری ماهیت شبه قضایی برای شورای رقابت، بتوان از این حیث امکان شکایت علیه شورای رقابت نزد دیوان عدالت اداری را متصور شد که در جای خود محل بحث و تأمل است.

۳-۳. شأن قضایی شورا

اینکه یک حقوقدان آشنا به حقوق اقتصادی و دو قاضی از اعضای تشکیل‌دهنده شورای رقابت هستند و از سویی شورا واجد برخی اختیارات ویژه قوه قضائیه است، آیا می‌تواند شائبه قضایی بودن شورای رقابت را به همراه داشته باشد؟ اگر شورا یک دادگاه است، چگونه می‌توان این امر را با استقلال قوه قضائیه و استقلال شورای رقابت تطبیق داد و یا توجیه کرد؟ این ابهام را می‌توان با توجه به مطالب ذیل بحث از تحقیق، بازرسی و رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی در مطالب فوق‌الذکر مطرح کرد.

اجمالاً؛ در پاسخ به این چالش شاید بتوان اذعان نمود که شورای رقابت را نمی‌توان

۱. تبصره: رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه و صرفاً آئین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.

یک دادگاه یا مرجع داوری محسوب کرد ولی می‌توان شبه‌قضایی بودن آن را پذیرفت.^۱ زیرا؛ اولاً؛ قید ایفای سمت شاکی در کلیه جرائم ضدرقابتی و درخواست از دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی و جبران خسارات وارده به منافع عمومی (ماده (۶۷) دال بر دادگاه نبودن شورا است. چرا که اگر دادگاه می‌بود با این پرسش مواجه بودیم که چرا خود شورا به آن رسیدگی نمی‌کرد؟ و یا اینکه مگر دادگاه می‌تواند علیه دیگری در دادگاه صالح اقامه دعوا کند؟ ثانیاً؛ به موجب ماده (۶۴) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، هیئت تجدیدنظر براساس اختیارات قانونی خود می‌تواند تصمیمات شورا را نقض، ابرام یا حسب مورد تعدیل یا اصلاح کند یا این که مستقلاً تصمیم دیگری اتخاذ کند. این قید نیز مستمکی بر دادگاه نبودن شورا است چرا که در قواعد آئین دادرسی، «تجدیدنظرخواهی دوباره قضاوت کردن امری است که بدو مورد قضاوت قرار گرفته و به نوعی بازبینی اعمال دادگاه نخستین است» (شمس، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۱۶). حال آنکه اگر شورای رقابت دادگاه می‌بود، خروجی و نتیجه حاصل از تجدیدنظرخواهی هیئت تجدیدنظر به نحو مذکور در ماده قید نمی‌شد؛ زیرا قید فوق‌الذکر دلالت بر رسیدگی علی‌الرأس از سوی هیئت تجدیدنظر نیز دارد. حال آنکه قواعد تجدیدنظر در آئین دادرسی مدنی چنین نبوده و

۱. برخی نیز شورای رقابت را برخلاف نهاد مشابه در آمریکا، نهادی شبه‌قضایی برشمرده‌اند ولی برای آن استدلالی نیاورده‌اند (علوم یزدی و فرازمنند، ۱۳۹۲: ۱۵۱) برخی حقوق‌دانان نیز در این زمینه معتقدند: «شورای رقابت قطعاً دادگاه نیست و یک مرجع اداری است که تصمیمات آن نیز علی‌الاصول قابل پیگیری در مراجع قضایی است». ایشان به نحو خاص در مورد امکان صلاحیت شورای رقابت نسبت به ابطال معامله سهام هلدینگ خلیج فارس برآند که «کلمه «دستور» ابهام دارد و نیاز به مطالعه عمیق دارد که آیا در زمینه ابطال، شورا باید از مرجع قضایی تقاضای ابطال نماید یا خودش رأساً حکم به ابطال بدهد؟ حتی در صورتی که قبول کنیم خود شورا بتواند حکم به ابطال دهد قطعاً این حکم در مراجع قضایی قابل رسیدگی مجدد است چون مرجع رسمی نظلمات، دادگستری است» (کاویانی، ۱۳۹۲). در اینجا روشن است که شورای رقابت نمی‌تواند یک مرجع قضایی باشد ولی مرجع رسیدگی بودن آن غیرقابل خدشه است. همچنین این امر که شورا، ماهیت اداری هم دارد قابل پذیرش است اما پذیرش قابلیت پیگیری تصمیمات آن در مراجع قضایی دشوار می‌کند. همچنین به موجب قانون، شورای رقابت در رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی صلاحیت ذاتی دارد و از این منظر صلاحیت عام مراجع عمومی دادگستری به صلاحیت شورای رقابت تخصیص خورده است. لذا رسیدگی به مصادیق مختلف رویه‌های ضدرقابتی در صلاحیت اختصاصی شورای رقابت خواهد بود.

ماهیتاً متفاوت می‌نماید. زیرا طبق ماده (۳۴۹) قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹؛ «مرجع تجدیدنظر فقط به آنچه که مورد تجدیدنظرخواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می‌نماید» و براساس ماده (۳۵۸) قانون اخیرالذکر، «چنانچه دادگاه تجدیدنظر ادعای تجدیدنظرخواه را موجه تشخیص دهد، رأی دادگاه بدوی را نقض و رأی مقتضی صادر می‌نماید. در غیر این صورت با رد درخواست و تأیید رأی، پرونده را به دادگاه بدوی اعاده خواهد کرد». این در حالی است که اقدام هیئت تجدیدنظر ممکن است همراه با رسیدگی به امری باشد که در شورای رقابت مورد رسیدگی و حکم قرار نگرفته است. افزون بر این، در عبارات قانونی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) از واژه «تصمیم» یا «تصمیمات» استعمال شده؛ حال آنکه اگر شورای رقابت دادگاه بود، اصولاً از واژه «رأی» یا «حکم» استعمال می‌شد. چه این که تصمیمات و اعمال دادگاه‌ها خود به چهار دسته احکام، قرارها، اعمال حسبی و نهایتاً دستورات اداری و گزارش اصلاحی انشعاب می‌یابد (همان: ۲۰۰). حال آنکه «تصمیم» مصرح در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مفروغ‌عنه از شمول فوق‌الاشاره بوده و دلالت بر مصوبه‌ای لازم‌الاجرا دارد. از این رو، اگر هم در آن قانون (مثلاً ماده (۵۷))^۱ از واژه «رأی» استفاده شده، مراد از آن، معنای خاص «رأی» به‌عنوان «تصمیم» نیست بلکه معنای «موافقت» یا «مخالفت» دارد.

استدلالی که در این مقام می‌تواند صحت احتمال فوق را برهم زند، این است که شورای رقابت در عین اینکه ماهیت اداری دارد، واجد خصایص یک مرجع با صلاحیت ذاتی است که بنا به اهمیت موضوع صلاحیتی آن، از سوی مقنن شئون متعددی نیز به آن ضمیمه شده تا این صلاحیت به نحو احسن انجام پذیرد. لذا شورا، یک مرجع اختصاصی و تخصصی است که باید در حدود صلاحیت ذووجهی خویش رسیدگی کند و نسبت به آنچه خارج از صلاحیت ذاتی و اختصاصی اوست، در مقام شاکی از مراجع ذیصلاح درخواست رسیدگی و جبران

۱. ماده (۵۷) - جلسات شورا با حضور دوسوم اعضا و به ریاست رئیس و در غیاب او نایب‌رئیس رسمیت خواهد داشت. تصمیمات شورا با رأی اکثریت اعضای صاحب رأی مشروط بر آنکه از پنج رأی کمتر نباشد معتبر خواهد بود و تصمیمات شورا در خصوص ماده (۶۱) این قانون در صورتی اعتبار خواهد داشت که رأی حداقل یک قاضی عضو نیز در آن مثبت باشد.

خسارات نماید. از این رو استدلال دادگاه نبودن شورا مخدوش می‌گردد. لذا اینکه شورای رقابت یک دادگاه به معنای مرجع قضایی نیست، صحیح به نظر می‌رسد ولی دادگاه؛ به معنای مرجع رسیدگی بودن آن غیرقابل رد است؛ امری که ماده (۶۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) صراحتاً اشاره کرده: «شورای رقابت تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی است».

حال که با نکات فوق، شائبه قضایی بودن شورا منتفی شد، آیا می‌توان با توجه به قیودی مثل؛ قید ایفای سمت شاکی در کلیه جرائم ضد رقابتی و درخواست از دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی و جبران خسارات وارده به منافع عمومی از طریق مراجع ذی‌صلاح، قائل به همپوشانی شأن شورا با صلاحیت نهاد مدعی‌العموم و دادستان شد؟ طبعاً این قید واجد همپوشانی عملکرد قانونی شورا با صلاحیت نهاد دادستان دارد و این خود یک چالش شورای رقابت است که بیانگر وظایف مشابه شورای رقابت با نهادهای دیگر است.^۱

پرسش دیگری که به ذهن خطور می‌کند آن است که آیا می‌توان شورای رقابت را در عداد سازمان و مراجع قضات برشمرد یا خیر؟ مراد از سازمان قضات نیز «واحدهایی است که با همکاری دوایر و اشخاص وابسته به آنها به دعاوی، جرائم و امور داخل در صلاحیت خود رسیدگی و اقدام به صدور رأی می‌کنند و بنابراین شامل مراجع قضایی و مراجع اداری می‌گردد» (همان، ج ۱: ۳۱). این مراجع یا در دسته مراجع عمومی قرار دارند یا مراجع استثنایی (اختصاصی). مراجع استثنایی نیز خود به دو دسته مراجع استثنایی دادگستری و مراجع استثنایی غیردادگستری تقسیم می‌شود. مراد از مراجع استثنایی دادگستری، «مراجعی است که نصب و عزل قضات و یا اعضای آن، کلاً در صلاحیت قوه قضاییه باشد» (همان: ۷۱-۷۰). حال آنکه مراجع استثنایی غیردادگستری مراجعی هستند که «نصب و عزل قضات آنها کلاً یا جزئاً برعهده قوه مجریه بوده و از صلاحیت قوه قضائیه

۱. توجه به این همپوشانی از جهت دیگری نیز اهمیت می‌یابد که در ترکیب اعضای شورای رقابت، اشاره‌ای به دادستان یا نماینده وی نشده است. علاوه بر این می‌توان به امکان اختلاف صلاحیت شورای رقابت با برخی مراجع حل اختلاف؛ از جمله هیئت داوری موضوع قانون بازار اوراق بهادار و هیئت داوری موضوع ماده (۳۰) تنفیذی قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) نیز اشاره کرد که در پی خود می‌تواند اتهامات متعددی را به همراه داشته باشد. برای مطالعه در زمینه تداخل اختیارات شورای رقابت با برخی نهادهای نظارتی مشابه، ر.ک: چراتیان، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۹.

خارج است» (همان: ۷۹). به نظر می‌رسد شورای رقابت را بتوان مرجعی قضاوتی و واجد صلاحیت ذاتی، اختصاصی و تخصصی دانست ولی کارکرد شورا، نمی‌تواند قضایی باشد. اکنون که مشخص شد شورای مورد بحث در عداد مراجع رسیدگی است، باید دید که آیا می‌تواند مرجعی شبه قضایی قلمداد شود؟ مراد از نهاد شبه قضایی نهادی است که شاخصه آن تصدی به عملی شبه قضایی باشد و عملی شبه قضایی خواهد بود که «توسط نهادهای غیرقضایی انجام می‌شود اما در ماهیت، امری قضایی است که مراجع قضایی (دادگستری) انجام می‌دهند. لذا این اعمال، اولاً؛ ذاتاً قضایی نیست ولی همان آثار اعمال قضایی را دارد. ثانیاً؛ همانند اعمال و احکام قضایی برای اشخاص ایجاد حق و تکلیف می‌کند و ضمانت اجرای قانونی دارد» (امامی و استوارسنگری، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۰۱-۱۰۰). از این رو باید توجه کرد که میزبه‌های مترتب بر مراجع شبه قضایی، ویژگی‌هایی مثل «ایجاد به موجب قانون»، «صلاحیت خاص»، «مرجعیت در حل خصومت»، «داشتن آئین دادرسی خاص»، «محسوب نشدن به عنوان دادگاه» و «(اصولاً) محسوب شدن به عنوان مرجعی اداری و مادون دیوان عدالت اداری» هستند (همان: ۱۰۴-۱۰۱). از آنچه اشاره شد، روشن است شورا را می‌توان دارای ماهیتی شبه قضایی دانست. افزون بر ممیزات فوق، این مهم از مواد (۵۳، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳ و ۷۰) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قابل تشخیص است. اما این امکان به معنای آن نیست که شورا تمام خصایص نهادهای شبه قضایی را به تمام و کمال داشته و همه ملاک‌های مراجع شبه قضایی بر شورای رقابت قابل حمل باشد. چرا که شورا ماهیتی مختلط داشته، از عضو قاضی برخوردار است و علاوه بر این، برخی ویژگی‌های مراجع شبه قضایی از جمله محسوب شدن به عنوان مرجعی مادون دیوان عدالت اداری را فاقد است.

۴. صلاحیت شورای رقابت در تعیین قیمت خودرو

شورای رقابت طی سال‌های اخیر با این توجیه که بازار خودرو انحصاری است، تعیین قیمت در این بخش را از جمله اختیارات خود دانسته است.^۱ این اقدام، از حیث امکان

۱. شورای رقابت در برهه‌ای طی اقدامی چالش برانگیز و منشأ اختلاف، فرمول زیر را به منظور مدیریت قیمت گذاری انواع خودروهای تولید داخل تصویب و صورت داده و قیمت خودروها را با احتساب الزامات قانونی و با لحاظ ←

قانونی و عملی واکنش‌های متفاوتی در پی داشت. به نحو اختصار، به نظر می‌رسد نظرات موجود در این خصوص را بتوان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف) موافقان مطلق؛ که غالباً دغدغه حقوق مصرف‌کننده را یدک می‌کشند، با این استدلال که بازار خودرو در ایران انحصاری است و در واقع حدود ۹۰ درصد آن در اختیار دو یا سه بنگاه اقتصادی است که با سوءاستفاده از این شرایط، ضمن بی‌توجهی به کیفیت و حقوق مصرف‌کننده و افزایش هزینه‌های تولید، باعث افزایش بی‌رویه قیمت خودرو فراتر از تورم واقعی این صنعت می‌شوند و لذا شورا در راستای کنترل انحصار می‌بایست وارد قیمت‌گذاری شود.

ب) مخالفان مطلق؛ که روش تعیین قیمت دستوری را ناکارآمد و مغایر هزینه‌های صورت گرفته و باعث ورشکستگی صنعت خودروسازی می‌دانند و معتقدند نهاد رگولاتور، در هیچ جای دنیا قیمت خودرو را تعیین نمی‌کند. این دسته وظیفه شورا را تسهیل رقابت‌پذیری اقتصاد و مبارزه با انحصار می‌دانند نه تعیین قیمت؛ که خود نوعی اقدام ضد رقابت است.

ج) دسته سوم؛ بر این باورند که در شرایط فعلی، بازار خودرو یک بازار انحصاری است و لذا شورا وظیفه قیمت‌گذاری را برعهده دارد و این به معنایی نیست که شورا به صورت موردی و مصداقی وارد حوزه تعیین قیمت خودرو شود بلکه همان‌گونه که قانون تصریح کرده وظیفه شورا در این خصوص صرفاً تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت است و این اقدام هم تا زمان تداوم انحصار در تولید و عرضه این کالا مجاز خواهد بود. بنابراین در صورت خروج خودرو از فضای انحصاری، بدون شک شورای رقابت وظیفه‌ای در این خصوص نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد با استناد به استدلال‌های زیر، شورای رقابت فاقد صلاحیت حقوقی و

قانونی در تعیین قیمت خودرو باشد:

→ عوارض و مالیات، تحت عنوان قیمت مصرف‌کننده اعلام کرده و بیان داشته است که منظور از قیمت مصرف‌کننده، قیمت کارخانه به علاوه پرداخت‌های قانونی به شرح ذیل است:

$$Pt+1=Pt+Pt(\Delta Pi_X+Z)$$

در فرمول فوق، Pt برابر قیمت هر خودرو در سال t ، ΔPi برابر تورم در نهاده‌های تولید براساس قیمت‌های بازار، X برابر شاخص هدف در رشد بهره‌وری و Z تابعی از شاخص کیفیت است که پرداختن به این مهم فراتر از اصل امکان‌سنجی چنین اقدامی، از حوصله نوشتار حاضر خارج است.

۱. قید تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در ماده (۶۲) دلالتی بر صلاحیت شورا در قیمت گذاری به صورت علی‌الرأس ندارد و صرفاً شورا را مکلف به تدوین و تصویب دستورالعمل مربوط به تنظیم قیمت کرده است که اساساً متفاوت از امر قیمت گذاری است. افزون بر این، اختیار نهادهای رگولاتور در کنترل قیمت، دلالتی بر قیمت گذاری مستقیم نداشته و به معنای ایجاد بسترهای مناسب برای مقابله با ایجاد قیمت کاذب یا انحصاری است.

۲. اینکه به موجب قانون مزبور در ماده (۶۲)، شورای رقابت تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی است و از صلاحیت‌های آن تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری ذکر شده را نمی‌بایست به این صورت تفسیر کرد که شورا مجوز ورود به قیمت گذاری در بازارهای رقابت پذیر را داشته باشد؛ زیرا قیمت گذاری منحصر به بازارهای رقابت ناپذیر بوده و بازارهای رقابت پذیر - از جمله خودرو - نمی‌تواند از مصادیق بند فوق از قانون مزبور باشد (باقری و صادقی، ۱۳۹۴: ۴۳۴-۴۳۳).

۳. قیمت گذاری نباید در بازارهای رقابت پذیر اعمال شود چرا که آن چیزی که قیمت را در بازارهای رقابت پذیر معین می‌کند، رفتار فعالان بازار است. لذا بازارهای رقابت پذیر، ماهیتاً قابلیت قیمت گذاری ندارند بلکه وجود رقابت در آنها خود به صورت طبیعی موجبات تعدیل قیمت را فراهم خواهد آورد. بنابراین، تنها اقدام موجه شورای رقابت در این زمینه آن است که از طریق مجاری تعریف شده قانونی اقدام به فراهم کردن موجبات رقابت در بازار خودرو کند تا علاوه بر تعادل قیمت، رفاه مصرف کنندگان آن را نیز جلب کند (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۱۳۶). از این منظر، ممانعت از تعیین قیمت‌های تهاجمی و ... که براساس انحصار و عدم رقابت است نیز جزئی از این معنا خواهد بود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شورای رقابت که مولود قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است و براساس وظایف قانونی، به مدیریت فضای رقابت، مقابله با انحصار و رویه‌های ضد رقابتی می‌پردازد. از آنچه مطرح شد می‌توان به نتایج ذیل رهنمون شد:

۱. شورای رقابت براساس نوع وظایف و اختیارات خود از جمله مقررات‌گذاری، اجرا، تحقیق و بازرسی و همچنین با توجه به ویژگی‌هایی مثل استقلال در رأی، فراقوه‌ای بودن، فرایند تصمیم‌گیری، ابزار اقدام و سبک کنترل و پاسخگویی و همچنین دامنه گسترده صلاحیت آن، یک نهاد رگولاتوری ملی و فرابخشی محسوب می‌شود. با عنایت به ترکیب شورا و با امعان‌نظر به فرایند تصمیم‌گیری و تدبیری که قانون‌گذار جهت تضمین موقعیت شغلی اعضا اتخاذ کرده، می‌توان ادعان داشت که شورای رقابت نهادی فراقوه‌ای است که از استقلال نسبی برخوردار است. البته با توجه به دولتی بودن بخش عمده‌ای از اقتصاد و انحصارات ناشی از آن در ایران، نحوه انتصاب اعضای شورا، اگر چه لزوماً نافی استقلال رأی اعضا نیست اما می‌تواند عینیت یافتن استقلال شورا را به‌ویژه در برابر دولت مشتبه کند.

۲. وجود کنترل درونی از طریق هیئت تجدیدنظر و امکان کنترل بیرونی توسط قوای مقننه و قضائیه بر تصمیمات و اقدامات شورای رقابت - به شرحی که آمد - امکان وقوع اشتباهات احتمالی را به حداقل رسانده و ظرفیت پاسخگویی شورا را افزایش می‌دهد.

۳. قیمت‌گذاری از سوی شورای رقابت فاقد پشتوانه قانونی و منطق حقوقی است. لیکن دخالت‌های توجیه‌پذیر شورا در سایر کالاهایی که جنبه انحصاری داشته باشد، مشروط به اینکه در محدوده اختیارات قانونی (یعنی در قالب تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالا و خدمات انحصاری باشد نه به صورت قیمت‌گذاری) و با توجه به همه متغیرهای اقتصادی باشد، می‌تواند مانع از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان شده و تولیدکنندگان را به سمت افزایش بهره‌وری و کیفیت تولیدات خود و کاهش قیمت تمام‌شده هدایت کند.

۴. شورای رقابت؛ به‌عنوان رگولاتوری فرابخشی، در اعمال صلاحیت و اختیارات خویش با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است که توفیق بیشتر منطق حقوقی حاکم بر صلاحیت‌های شورا در گرو رفع موانع و خلأهای موجود خواهد بود. آن‌گونه که اشاره شد، از اهم این چالش‌ها، مسائلی چون ماهیت حقوقی، صلاحیت، نظارت‌پذیری و شأن قضایی شورا است که هر یک از این چالش‌ها در بطن خود با جزئیات و ابعاد دیگری نیز همراه است. از این‌رو ضمن رفع خلأهای متعدد ناشی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، رفع چنین شبهاتی نیز از سوی قانونگذار ضرورت دارد.

منابع و مأخذ

۱. امامی، محمد و کورش استوارسنگری (۱۳۹۱). *حقوق اداری*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۲. باقری، محمود و محمد صادقی (۱۳۹۴). «تعامل مفهومی و مصداقی بازار و نابازار در کالبد قاعده حقوقی رقابت»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره ۶، ش ۲.
۳. چراتیان، ایمان (۱۳۹۲). «واکاوی چالش‌های شورای رقابت»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، دوره ۲۰، ش ۷۳.
۴. رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۰). *حقوق رقابت در فقه امامیه حقوق ایران و اتحادیه اروپا*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۵. سلطانی، محمد (۱۳۹۱). «تبیین و تحلیل جایگاه ماده (۹۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بازار سرمایه کشور»، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ش ۲۰.
۶. شمس، عبدالله (۱۳۹۲). *آئین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ ۳۲، تهران، انتشارات دراک.
۷. _____ (۱۳۹۳). *آئین دادرسی مدنی؛ دوره پیشرفته*، جلد اول، چاپ ۳۱، تهران، انتشارات دراک.
۸. صادقی مقدم، محمدحسن و محمدصادقی (۱۳۹۳). «مطالعه نهادهای حقوقی نظارت بر بازار رقابتی (در ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده)»، *مجله پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی*، دانشگاه امام خمینی (ره) قزوین، سال دوم (دوره جدید)، ش ۱.
۹. صادقی، محمد (۱۳۹۳). «تفکیک بازار از نابازار و تأثیر آن بر گستره اعمال حقوق رقابت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. صادقی، محمد، محمدحسن صادقی مقدم و علی اصغر صالحی (۱۳۹۴). «مرجع صلاحیت‌دار حل اختلاف در بازار سرمایه ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۵، ش ۲.
۱۱. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی (۱۳۸۷).
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. قانون آئین دادرسی مدنی (۱۳۷۹).
۱۴. قانون بازار اوراق بهادار (۱۳۸۴).
۱۵. قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه (۱۳۷۹).
۱۶. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۸۹).
۱۷. قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲).

۱۸. علومی یزدی، حمیدرضا و زینب فرازمنند (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی نهادهای ناظر بر اجرای مقررات رقابت در ایران و آمریکا»، فصلنامه *اندیشه‌های حقوقی خصوصی*، سال اول، ش ۱.

۱۹. کاویانی، کوروش (۱۳۹۲). «ابعاد حقوقی مصوبه شورای رقابت در خصوص هلدینگ خلیج فارس»، مصاحبه با پایگاه اطلاع‌رسانی بازار سرمایه ایران (سنا)، کد ۱۷۵۳۸، آدرس اینترنتی: www.sena.ir.

۲۰. هادی‌فر، داود (۱۳۸۹). *نهادهای حقوقی تنظیم مقررات، ساختار و سازوکار اجرایی*، تهران، انتشارات عترت نو.

۲۱. یاوری، اسدالله (۱۳۹۳). «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، دوره ۵، ش ۲.

22. Baldwin, R. and M. Cave (1999). *Understanding Regulation (Theory, Strategy, and Practice)*, Oxford University Press.

23. Morriss, Andrew P., Yandle Bruce and Andrew Dorchak (2005). "Choosing How To Regulate", *Harvard Environmental Law Review*, Vol. 29.

24. Noll, R. and M. Owen Bruce (1983). *The Political Economy of Deregulation*, Washington D.C. American Enterprise Institute.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی